

نقد موضوع و ماده شعر و ادبیات

و

انواع ادبی

مراد از نقد موضوع شعر و ادبیات این است که بدانیم یک اثر ادبی به دور چه مواد و موضوعاتی میچرخد مثلاً بدانیم که آن اثر جنبه حماسی دارد یا غنائی یا نمایشی یا تعلیمی یا چوپانی یا اجتماعی. در اروپا از قدیمترین زمانها یعنی از عهد ارسطو تا کنون به این مسأله توجه بسیاری شده است و ادبیات و شعر را از این لحاظ به اقسامی تقسیم کرده و آن را انواع ادبی نامیده‌اند و انواع ادبی در اروپا عبارتند از موضوعات ادبی که در عین حال دارای ساختمان خاصی نیز هستند. بنابراین وقتی می‌گوئیم انواع ادبی مراد بیشتر اقسام ادبیات است از لحاظ موضوع و ماده آن نه از نظر صورت و شکل. فی‌المثل تعیین انواع صورتها و شکلها و قالبهای ادبی جزء بحث انواع ادبی به معنای خاص و اصطلاحی آن نیست. به گفته دیگر بحث از مثنوی و غزل و قصیده و ترجیع بند و غیره که خود از انواع صورتهای شعرند جزء مباحث انواع ادبی به مفهومی که مراد ارسطو و غرض ما در این مبحث است نیست. اما در ادبیات اروپائی انواع ادبی علاوه بر موضوعهای ویژه‌ای که دارند دارای اشکال خاصی نیز هستند بنابراین در آنجا صورت و ماده شعر را با هم مورد بحث قرار می‌دهند.

شعر و ادبیات از این لحاظ در اروپا به حماسی، غنائی، تعلیمی، چوپانی و نمایشی تقسیم شده است که هر یک از آنها به نوبه خود به اقسام دیگری نیز منقسم می‌شوند. این نوع تقسیم‌بندی بواسطه نارسائیهای آن از قرن نوزدهم به بعد به تدریج تغییر کرده یا منسوخ شده است و امروز در اروپا این انواع بهیچوجه ملاک

نقد نیستند و کار نقد در قرن بیستم بکلی برمدارد دیگری قرار گرفته است زیرا آنقدر تحولات نظم و نثر در دو قرن اخیر سریع بوده و آنقدر معیارها به سرعت تغییر کرده است که با میزانهای قدیم دیگر نمی توان آنها را نقد کرد.

شعر فارسی و عربی از لحاظ موضوع به شکل دیگری تقسیم شده است که با طبقه بندیهای اروپائی تفاوت دارد. به گفته دیگر نام انواع ادبی در این دو دسته از ادبیات باهم متفاوتند. نمونه انواع ادبی در عربی و فارسی چنین است: مدح، هجو، عشق، رثاء، عرفان (اینها با ادبیات غنائی اروپائی و غرب منطبقند)، هندو حکمت، ادبیات مذهبی (ادبیات تعلیمی)، حماسه و غیره. ما در قدیم ادبیات نمایشی به مفهومی که در غرب معمول است نداشته ایم.

شعر حماسی - این نوع شعر که بیشتر به دوران کودکی و ابتدائی و عصر تکوین ملتها تعلق دارد شعر است که به صورت داستانست و جنبه قهرمانی و ملی و اساطیری یا احیاناً تاریخی دارد که بهیچوجه ساخته و پرداخته ذهن شاعر نیست و در آن عوامل و عناصر فوق طبیعی و غیرعادی نیز بچشم می خورد بنابراین مسائل دینی نیز می تواند موضوع حماسه قرار گیرد.

نمونه این قسم شعر در یونان ایلیاد هم است که در قرن هشتم پیش از میلاد نوشته شده است و در کشور ما شاهنامه فردوسی و در هند رامایانا و مهاباراتاست.

از تعریف بالا چنین برمی آید که حماسه دارای چند ویژگیست:

به صورت داستانی نسبتاً مفصل است که خود دارای اجزاء یا حوادثی بسیار است ولی در عین حال دارای وحدتست و به دور یک حادثه و قهرمان اصلی می چرخد مانند قسمت حماسی شاهنامه فردوسی که از داستانها و حوادثی بوجود آمده است که محور آن رستم و قهرمانیهای اوست.

دیگر آنکه حماسه جنبه قهرمانی و اساطیری یا تاریخی یا مذهبی دارد یعنی از انسانهایی سخن می گوید که از نظر جسمی و روحی ممتازند و از مردم امروز برترند. از انسانهایی که کارهایی فوق العاده و معجزه آسا می کنند و تنها آنها را می توان در اساطیر و افسانه های ملی و دینی یافت. به این سبب در این نوع اشعار مسائل فوق طبیعی و خارق العاده که با جنبه های قهرمانی و اسطوره ای توأست دیده می شود مانند اژدها، ضحاک ماردوش، دیوسپید، عمرهای ششصد ساله و

هزار ساله و پانصد ساله (پادشاهی ضحاک هزار سال و پادشاهی فریدون پانصد سال بود) و غیره ولی این حوادث شگفت‌انگیز در عین حال باید راست‌نما باشد نه غیر قابل باور.

سوم آنکه حماسه جنبه ملی و یا دینی یا تاریخی دارد یعنی حوادث قهرمانی آن به دور مسائلی ملی یا دینی یا تاریخی می‌چرخد زیرا مربوط به دورانی است که ملتی می‌خواهد موجودیت خود را در جهان اعلام کند یا پیغمبری یا پیشوائی دینی به‌ظهور می‌پیوندد.

چهارم آنکه حماسه اگر چه از افسانه‌ها و از گذشته‌های دور سخن می‌گوید ولی در عین حال لبریز است از واقعیات و از آداب و رسوم و شرایط اجتماعی زمان شاعر به این سبب ایللیاد هم و شاهنامه فردوسی در عین حال که از زمانهائی بسیار دور سخن می‌گویند تصویری از عصر شاعر و اجتماع او نیز هستند و از روی آنها می‌توان به وضع اقتصادی، اداری، مردم‌شناسی، قوانین، آداب و رسوم جامعه زمان سراینده آنها نیز پی‌برد به عبارت دیگر مثلاً شاهنامه در عین حال که افسانه ملی است آئینه تمام‌نمای وضع اجتماعی و مردم‌شناسی و اقتصادی و آداب و رسوم زمان فردوسی نیز هست.

پنجم حماسه هم مانند فاجعه نامه (تراژدی) از وحدت و تمامیت برخوردار است و دارای آغاز و انجامی است. در حماسه نیز مثل فاجعه نامه (تراژدی) عقده و گرهی هست که باید به وسیله قهرمان داستان گشوده شود. بنابراین حماسه از جهات بسیاری به فاجعه‌نامه (تراژدی) نزدیکست.

حماسه به نظر ارسطو باید دارای وزن خاص باشد و او سرودن حماسه در وزنهای غیر حماسی را کاری عبث و بیهوده می‌شمارد. وی یکی از مزایای کار «همر» را در این می‌داند که این نکته را به خوبی و بیش از هر شاعر دیگری دریافته و مراعات کرده است. وزنی که «همر» برای آثار خود انتخاب کرده است وزن سداسی است.

ارسطو در این باره می‌گوید: «فقط وزن حماسه است که رزانت و وسعت بیشتری دارد. به همین سبب بیشتر یا بهتر از سایر اوزان جهت اشمال بر کلمات غریبه و

۱. مادر این مبحث آنجا که شعر اروپائی و فارسی باهم منطبقند برای فهم مطلب از فارسی‌نیز مثال میزنیم.

مجازات مناسب به نظر می آید و از این لحاظ بخصوص هم اسلوب نقل و روایت بر سایر اسالیب مزیت و تفوق دارد اما وزن ایامی^۱ و رباعی^۲ و زنهای هستند مشحون از حرکات که یکی مناسب رقص است و دیگری مناسب عمل و حرکت^۳. عجیب اینست که بیشتر حماسه سرایان ایران نیز این نکته را رعایت کرده و بحر متقارب را که وزنی مناسب برای حماسه است برای خود برگزیده اند و به نظر برخی از محققان بحر متقارب که حماسه های خوب ایرانی به آن سروده شده است رنگ ایرانی نیز دارد.

حماسه در بین ملل مختلف- در قرون اخیر نیز گاهی در اروپا آثاری بوجود آمده است مانند «افسانه قرون» و ویکتورهوگو که باید آن را حماسه نو نامید. بعضی از حماسه ها تقلید از حماسه دیگریست مانند «انئید»^۴ و ویرژیل در روم قدیم که تقلید از حماسه یونانست ولی در عین حال تقلیدی موفق بوده است و در حد خود شاهکاری بشمار می رود اما شاعرانی که از ویرژیل تقلید کرده اند کامیاب نشده اند. دیگر از حماسه های تقلیدی آنهائیست که در فرانسه به تقلید از یونان و روم بوجود آمد ولی ارزش چندانی نیافت زیرا دوره حماسه به مفهوم قدیم آن در این عصر سپری شده بود از آن جمله اند فرانسواد^۵ رنسار^۶ و هانریاد^۷ ولتر و ویلهلم تل شیلر.

ملل مختلف هریک هنگام تکوین خود حماسه های داشته اند که همه به یک اندازه و درجه قوی و عالی نیستند. مهمترین آثار حماسی جهان «ایلیاد» و «ادیسه» و «شاهنامه» و «انئید» است و حماسه های ملل دیگر البته به پای آنها نمی رسد. حماسه های دیگر عبارتند از «شانسون دوژست»^۸ که در قرن ۱۱ و ۱۲ در فرانسه بوجود آمد و قسمتی از آن مربوط است به سلطنت شارلمانی. پس از این فرانسویان ذوق خود را در خلق رمان بکار گرفتند. حماسه از قرن نوزدهم از زمان شاعران پارناسین به بعد منسوخ شد ولی در همین قرن علاوه بر افسانه قرون «هوگو» اشعار وحشی «لوکنت دولیل» نیز به عنوان اثر حماسی کمرنگی تلقی شد.

1. Iambique 2. Tetrametre

4. Enéide 5. Franciade

8. Chanson de Geste

۳. فن شعر ص ۱۰۰ ترجمه دکتر زرین کوب.

6. Ronsard

7. Henriade

در انگلیس «بهشت گمشده» میلتون و در ایتالیا «کمدی الهی» دانته و در پرتغال «فرستاده واسکودوگاما» و در سانسکریت رامایانا و مهابارتا از آثار حماسی یا نیمه حماسی بشمار می روند.

اقسام حماسه - حماسه شعر دوران تکوین یک قوم یا یک دین است و مربوط به عصریست که پیغمبرانی ظهور می کنند و معجزاتی رخ می دهد یا به عهدی که مردم افسانه ها را باور می کنند بنابراین مناسب دوره کنونی نیست زیرا امروز مردم نه کسی را به عنوان پیغمبر جدید می پذیرند و نه به اسطوره ها معتقد می شوند. حماسه ها را می توان به ملی و دینی و تاریخی تقسیم کرد که از این میان حماسه ملی و اساطیری توفیق بیشتر یافته اند که نمونه آن ایللیاد و شاهنامه است. از اقسام حماسه ها حماسه دینی است که نمونه آن گشتاسب نامه دقیقی است.

حماسه های ملی و اساطیری نیز در حقیقت نوعی حماسه دینی است زیرا مربوط به آئینها و ادیان قدیم است مثلا داستانهای شاهنامه برپایه کیشها و دینهای قبل از اسلام است و شخصیتهایی نظیر کیخسرو و اسفندیار جنبه تقدس دینی نیز دارند.

حماسه تاریخی از لحاظ شعری به پای حماسه ملی نمی رسد. حماسه تاریخی متعلق به دورانیست که قومی از مرحله ابتدائی فراتر رفته و از لحاظ فرهنگی پیشرفت کرده است مانند: اسکندرنامه نظامی و تیمورنامه و عباسنامه.

به این سبب حماسه در اروپا جای خود را به رمان منظوم و منشور می دهد. بعضی از آثار حماسی به قدرت حماسه های بزرگ نمی رسند مانند حماسه رولاند در فرانسه و گرشاسب نامه اسدی در ایران.

حماسه در ایران - در کشور ما تمام اقسام حماسه اعم از حماسه ملی و دینی و تاریخی وجود دارد و ادبیات حماسی ما از ادبیات حماسی غنی و بارور و درخشان جهانست بخصوص شاهنامه که با بزرگترین آثار حماسی مانند «ایللیاد» هم پهلومی زند.

شاهنامه از لحاظ حماسه ویژگیهایی را دارد که در «ایللیاد» نیست:

۱- با حماسه تاریخی توأم است زیرا در زمان ساسانیان بدل به تاریخ می شود.

۲- آنجا که جنبه حماسه صرف دارد (داستان رستم) بسیار طولانی تر از

آثار حماسی «همر» است و مقدار آن پیش از حدی است که ارسطو برای آثار حماسی تعیین کرده است.

۳- مشتمل برداستانهای فرعی است که در عین حال که حماسه هستند تراژدی نیز بشمار می روند و تمام خصوصیات تراژدی در آنها دیده می شود.

۴- دهها تن از شاعران به تقلید از فردوسی حماسه هائی بوجود آورده اند که هیچکدام استعداد حماسه پردازی نداشتند و در نتیجه کامیاب نشدند از این قبیلند «شهریارنامه» عثمان مختاری، آذربرزین نامه، سامنامه، کوشنامه، عباسنامه، شهنشام نامه و غیره.^۱

در فارسی گاهی قصیده ها و اشعار دیگری دیده می شود که جنبه ملی و تاریخی دارند و مشتمل بر بعضی از ویژگیهای حماسه اند اما چون صورت داستانی ندارند و ساختمان حماسه در آنها دیده نمی شود شعر حماسی بشمار نمی روند مانند قصیده های فرخی و عنصری درباره فتح هند و شعرهای میهنی «بهار». اینها را می توان شعرهای شبه حماسی نامید.

شعر چوپانی^۲ - و آن شعر است که درباره طبیعت و زندگی روستائیان و شبانان و عشقها و احساسات آنان باشد و برای آن دو نوع فرعی عمده ذکر کرده اند یکی غزل روستائی^۳ و دیگر گفتگوی چوپانان.^۴

ایدیل (غزل روستائی) در یونانی بمعنی تابلو و تصویر کوچک است و در اصطلاح ادبی شعر شاد و ساده روستائی و چوپانیست. از نخستین کسانی که چنین شعرهائی سرودند «تئوکریتوس»^۵ یونانی بود و سپس این شیوه بوسیله «بیون»^۶ در یونان ادامه یافت و ویرژیل در روم در چوپان نامه^۷ خود این نوع شعر را به کمال رسانید.

در قرون وسطی غزلهای روستائی فراوانی که دارای ظرافت بسیار بود بوجود آمد. در قرن شانزدهم «رنسار» با خلق شعر «آغل گوسفند» این نوع ادبی را غنی کرد سپس در قرن هجدهم گسنر^۸ (اهل سویس) و آندره شنیه^۹ به سرودن

۱. برای آگاهی بیشتر از حماسه در ایران به «حماسه سرائی در ایران» تألیف دکتر صفا و حماسه ملی ایران از نولدکه ترجمه بزرگ علوی رجوع کنید.

۲. Pastoral (۱) یا (فرانسه) Idylle 3. Idyll (۱) یا (انگلیسی) Eclogue یا فرانسه 4. Eglogue
5. Theocritus (۱) یا (فر) Bucolics 7. Bucolique
6. Bion 8. Guesner
9. A. Chenier

غزل‌های روستائی خاصی پرداختند. «ویکتور هوگو» نیز در کتاب افسانه قرون چند غزل روستائی آورده است که در آنها سنت‌های قدیم این فن را مراعات نکرده است. «گفتگوی چوپانان» شعر روستائی کوتاهیست که به صورت گفت و شنود بین شبانان است مانند مناظره‌های چوپانی در چوپان نامه ویرژیل. این نوع شعر در دوره رنسانس بطور کلی به شعر روستائی اطلاق می‌شود. در قرن هجدهم مراد از این اصطلاح تنها صورت و قالب آن بود. از معاصران رابرت فراست امریکائی این نوع شعر را با اندیشه سیاسی و اجتماعی درآمیخته است و آن را در خدمت اجتماع بکار گرفته است.

ضمناً شعر چوپانی را با اشعار فولکلوریک نباید اشتباه کرد.

ما در ادبیات فارسی شعر روستائی و چوپانی به مفهوم اروپائی آن نداریم یا اگر داریم دست کم جمع‌آوری نشده است مگر آنکه بعضی از دویتیه‌ها و شعرهای عامیانه را روستائی و چوپانی نیز بشمار آوریم که آن نیز درست نیست زیرا اینها اشعار عامیانه هستند نه روستائی و این دو نوع شعر در همه جای دنیا با هم تفاوت دارند. البته در ادبیات غنائی و حماسی ما گاهی نیز وصف خزان و بهار و طبیعت دیده می‌شود مانند توصیف‌های منوچهری و لامعی و فرخی و سعدی از این امور، ولی این اشعار هم چوپانی نیستند زیرا سراینده‌گان آن خود از طبقات ممتاز و مرفه جامعه بوده‌اند و بهار و طبیعت را از دیدگاه آسوده خاطران اجتماع وصف کرده‌اند نه از دیدگاه روستائیان و شبانان.

ادبیات و شعر نمایشی - شعر نمایشی^۱ آنست که به یاری رفتار و حرکات در روی صحنه نمایش بیان می‌شود بنابراین، این نوع شعر یا ادبیات به صورت نمایشنامه (پیس) است. شعر نمایشی خود بر سه قسم است. کمدی (خنده‌نامه)، تراژدی (فاجعه‌نامه)، درام (آمیخته) که البته این اقسام از قرن نوزدهم به بعد درهم آمیختند و به نثر نوشته شدند.

نمایشنامه‌های روم و عهد کلاسیک بر اساس کارهای یونان قدیم بود و قواعدی که ارسطو به دست داده بود و بوسیله «بوالو» تکمیل شده بود با نهایت قدرت بر آنها حکومت می‌کرد اما از قرن هجدهم و نوزدهم به بعد نمایشنامه‌ها از قواعد تازه‌ای پیروی کردند. ضمناً باید دانست که تراژدی و کمدی می‌توانند به

اقسام دیگری تقسیم شوند مانند کمدی هزل آمیز^۱ (بورلسک) و تقلیدگری^۲ و تراژدی کمدی و ملودرام و غیره.

کمدی - کمدی (خنده انگیز) در یونانی «کومودیا»^۳ به معنی ترانه عید است و آن نمایشنامه ایست که هدفش برانگیختن خنده و مشغول کردن مردم باشد خواه بوسیله ضربه روحی و خواه از راه تصویر طنزآمیز سیرتها و روحیات اشخاص و خواه بوسیله نمایش خطاها و اشتباهات مردم. ارسطو بر اساس کمدیهای یونان قدیم آن را چنین تعریف و توصیف می کند:

«کمدی شعر است مربوط به اطوار و اخلاق زشت و اعمال و اطوار شرم آوری که موجب ریشخند و استهزاء می شود. امریست که در آن عیب و زشتی هست اما گزندی از آن به کسی نمی رسد.»^۴

«مولیر» درباره کمدی چنین می گوید: «اصلاح حماقتهای اجتماعی در تمام زمانها باید موضوع اصلی کمدی باشد.»^۵

اصل کمدی نیز مانند بسیاری دیگر از انواع شعر مربوط به مراسم و اعیاد دیونیزیوسی است. کمدی در پلوپونز و سیسیل بوجود آمده است ولی در آتن کمال یافته است این قسم شعر بواسطه نمایش مسائل روزانه و استهزاء آمیز و بر اثر داشتن زبان و بیان معمولی برخلاف تراژدی مدتها در بوتی فراموشی بود ولی در قرن پنجم پیش از میلاد ارزش آن روشن شد و مردم به تدریج به آن روی آوردند. در تاریخ کمدی آتن سه مرحله دیده می شود:

کمدی قدیم که در حدود ۴۸۰ قبل از میلاد بوده است و نماینده مهم آن «آریستوفان»^۶ است که کارش با لطف و طنز بسیار توأم بود. کمدی میانه که بعد ازین دوره است و کمدی جدید که از زمان اسکندر به بعد بوجود آمد. این نوع کمدی با ظرافت و واقع بینی اخلاق معاصران را نقاشی می کند و از زندگی طبقاتی و قشرهای مختلف جامعه مانند فرزندان، غلامان، درباریان و طفیلیها سخن می گوید و نمایندگان اصلی آن «مناندر»^۷ «فیلمون»^۸ و «دیفیل»^۹ هستند.

1. Burlesque 2. Farce 3. Comoedia

4. از فن شعر ارسطو ص ۳. 5. Current Literary Terms 6. Dionysos 7. Aristophan
8. Menendere 9. Philemon 10. Diphile

کمدی در روم قدیم اصالت زیادی ندارد و مانند بسیاری دیگر از اقسام شعر تقلید از یونانست بخصوص تقلید از کمدی جدید این کشور است ولی این نوع کمدی به تدریج جای خود را به کمدی رومی می‌دهد و سپس در آنجا نوعی کمدی بوجود می‌آید که کمدی تقلیدگری^۱ نامیده می‌شود و در فرانسه قرون وسطی نیز رواج می‌یابد.

در دوره رنسانس «کرنی»^۲ کمدی واقع‌گرایانه جدیدی بوجود آورد که راه را برای «مولیر» باز نمود و سپس کمدی به سوی تصویر کردن اخلاق و خصصتهای انسانی و بیان مسائل اجتماعی روی آورد.

«دیدرو» نوعی کمدی جدی را پیشنهاد کرد و با آغاز رمانتیسیم اصل جدا کردن انواع نمایشی از یکدیگر متزلزل شد و این انواع درهم آمیخت و از میان آنها درام بیش از اقسام دیگر رایج شد. در اواخر قرن نوزدهم بک^۳ و پیروانش هواخواه کمدی واقع‌گرایانه (رئالیستی) بودند و بین دو جنگ جهانی در نمایشنامه نویسی نسل جدیدی بوجود آمد که کمدی و درام و تراژدی را به صورت تازه‌ای درآورد و آنها را درهم آمیخت. نماینده اینان ژان آنوی^۴ است.

کمدی در روسیه ابتدا تابع کمدی فرانسه بود ولی بعداً نویسندگان آن کشور بر ضد این شیوه قیام کردند و با پدید آمدن گوگول کمدی روسی اصالت یافت و هم او بود که رئالیسم واقعی را وارد کمدی کرد. خنده نامه‌های چخوف نیز بسیار قوی هستند.

تراژدی (فاجعه‌نامه) - تراژدی یا فاجعه‌نامه نمایشنامه‌ایست که افسانه یا حادثه تاریخی هولناک و شومی را بیان می‌کند که هدفش برانگیختن ترس و شفقت است. وقایع تراژدی معمولاً بین دشمنان یا بیگانگان اتفاق نمی‌افتد زیرا انتقام دشمن از دشمن یا بیگانه از بیگانه شفقتی بر نمی‌انگیزد بلکه این اتفاقات معمولاً باید بین دوستان و خویشاوندان و نزدیکان روی دهد مانند کشته شدن پسر به دست پدر یا برعکس.

تراژدی نیز در یونان قدیم بوجود آمد و منشأ آن نیز مانند بسیاری دیگر از انواع ادبی مراسم دیونیزوسی بود.

در یونان قدیم تراژدی سرایان بسیاری وجود داشته‌اند اما این فن در قرن

1. Farce

2. Corneille

3. Becque

4. J. Anouilh

پنجم میلادی به اوج کمال رسید و آن هنگامی بود که سه تراژدی نویس بزرگ یعنی سوفوکل، اشیل و اوریپید ظهور کردند. تراژدی در قرن چهارم پیش از میلاد در یونان رو به انحطاط گذاشت. علت آن نیز رواج دکلاماسیون (فروخوانی) و اپرا بود.

تراژدیهای رومی ابتدا تقلیدی از یونان بود ولی بعداً خود دارای اصالت شد. در قرن هفدهم در دوران کلاسیک در کنار تراژدی محض نوع تازه‌ای تراژدی بوجود آمد به نام تراژدی کمدی. در این دوران بود که بوالو قواعد محکم و دقیقی بر پایه نظریات ارسطو برای تراژدی و شعر نمایشی بدست داد که البته در دوره‌های بعد متزلزل گردید.

در این قرن شاهکارهای تراژدی بوسیله «کرنی» و «راسین» بوجود آمد. درین تراژدی نویسان جهان باید از «شکسپیر» نیز به عنوان یکی از سرآمدان این فن نام برد چه او بود که با نوشتن شاهکارهایی مانند هاملت و مکبث و قیصر و اتللو سرآمد درام نویسان و تراژدی نگاران زمان خود شد. البته تراژدی «شکسپیر» مانند تراژدیهای «راسین» و «کرنی» تحت تأثیر یونان و روم نیست بلکه خود شکل جدیدی ازین نوع است که حال وهوائی تازه دارد. چنانکه دیدیم تراژدی از قرن نوزدهم به بعد با انواع دیگر نمایشی مخلوط گردید و به صورت نثر درآمد و نام کمدی و تراژدی و درام جای خود را به نمایشنامه (پیس) داد و نتیجه آن پیدا شدن آثاری بود که بوسیله سارتر و کامو و آنوی خلق شد.

درام- درام (آمیخته) از «دراما» ی یونانی به معنی عمل و رفتار است و در اصطلاح نمایشنامه ایست که واقعه دردناک و سختی را نشان می دهد ولی درجه غم انگیزی آن به اندازه تراژدی نیست. درام هم صحنه های شاد دارد و هم صحنه های غمگین، هم می خنداند و هم به گریه وامیدارد. این قسم نمایشنامه در طی تاریخ طولانی خود دارای چنان صورتها و اشکال متفاوت و متغیری شده است که نمی توان برای آن تعریف دقیقی بعمل آورد ولی می توان گفت که یکی از ضرورت های دائمی تئاتر است زیرا واقعه ای را نمایش می دهد که برخلاف تراژدی و کمدی دارای سبک خاصی نیست یعنی نه تراژدی است و نه کمدی و در عین حال هم از آن بهره دارد و هم از این. بنابراین مخلوطی است از هر دو که در آن مسائل متضاد و متعارض در مقابل یک دیگر قرار می گیرند.